



به مناسبت بزرگداشت زنده یاد «ابوالفضل سپهر»

در چهلمین مراسم «شب شاعر»

**شاعری  
با دفتر آبی**

همین صفحه

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.10 ■ No.2354 ■ Mon.Jan.15, 2018 ■ ISSN:2008-2886

■ ۱۱۷۹ سال و ۴۹ روز گذشت

دوشنبه ۲۵ دی ۱۳۹۶ ■ ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۳۹ ■ ۱۵ ژانویه ۲۰۱۸ ■ سال دهم ■ شماره ۲۳۵۴ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

صفحه ۲

گزارش محسنی ازهای از مهم ترین پرونده‌های مفتوح قضایی

**پرونده حسین فریدون  
بیش از یک متهم دارد**

# کشتی شکستگانیم

نفتکش ایرانی بعد از ۸ روز سوختن با ۲۹ سرنشین به طور کامل در دریای چین شرقی غرق شد



صفحه ۳

تیتربهای امروز

با توجه به شکایت های مکرر دولت از رسانه‌ها و ۱۳ شکایت جاری از «وطن‌امروز»

**طرفداری از نقد  
به دولت شکایت  
نمی‌آید!**■ پاسخ آیت‌الله صدیقی به حسن روحانی:  
فرصت خود را صرف خدمت و رفع  
مشکلات مردم کنید نه مقابله با یک طلبه

صفحه ۲

نامه ۲۰۲ نماینده به سران ۳ قوه

**بر مشکلات اساسی  
مردم متمرکز شوید**

صفحه ۲

علی‌رغم شرط وزیر ار تباطات مبنی بر حذف  
موارد تروریستی برای رفع فیلتر**تلگرام هیچ تعهدی  
نداده است**

صفحه ۳

**افشاکری زکزاکی  
علیه‌نمایش بوهاری**

صفحه ۱۵

به مناسبت بزرگداشت زنده یاد «ابوالفضل سپهر» در چهلمین مراسم «شب شاعر»

**شاعری با دفتر آبی**

بعد هم چند نفر از جانبازهای شیمیایی را دیدم که چه وضعی دارند. از همانجا بود که مهر پچه‌های جنگ به دلم نشست و از مرام آنها خوشم آمد.

از آن موقع به بعد بود که سپهر بتدریج به این طرف گرایش پیدا کرد، تا یک روز که به دفتر کارم در پادگان امام حسن(ع) آمد و گفت:

«دوست دارم آموزش تخریب و طرز کار با مین را یاد بگیرم. گلعلی! کمکم می‌کنی؟!»

بندۀ رفتم پیش شهید همدانی که در آن ایام، طیف روشنفکران قرار گرفته بودند. گفتیم: «حاجی! قضیه این‌جوری است و سپهر چنین درخواستی دارد». از آنجا که شهید همدانی هم سپهر را خیلی دوست داشت، سریع با این درخواست او موافقت کرد و گفت: «مشکلی نیست، من یک مربی خاص را می‌گذارم تا به سپهر در زمینه مهندسی تخریب آموزش بدهد». آموزشش را هم در تخریب لشکر، توسط «رضا گرشاسبی» دید و اصول مهندسی تخریب را یاد گرفت، طوری که خیلی زود، در این زمینه خبره شد. بعد از اتمام دوره، از او پرسیدم: آخر نگفتی چرا می‌خواستی تخریب یاد بگیری؟

گفت: «چون می‌خواهم بروم لبنان و در جنگ علیه اسرائیل، عملیات استشهادی انجام دهم». بعد از این قضیه، دیگر ارتباطش با بچه‌های لشکر زیادتر شد. طوری که اگر هر جایی برنامه داشت، اولویت را به برنامه‌هایی می‌داد که باید در لشکر یا توسط لشکر برگزار می‌شد. هر جا هم برنامه شعرخوانی داشت، به اتفاق هم به آنجا می‌رفتم و برنامه‌اش را اجرا می‌کرد. یک روز در اصفهان برنامه داشت. آمد به من گفت: «گلعلی! تو هم با من بیا اصفهان که اگر شد، یکسری هم به خانواده شهید همت بزنیم. خیلی دوست دارم این خانواده را از نزدیک ببینم».

آن ایام مقارن با بهار ۸۳ بود. به اتفاق سپهر، «حسین بهزاد» و «محمدرضا دامغانی» سوار بر یک وانت دوکابین، از تهران رفتم به اصفهان. اول سری به خانواده شهید همت زدیم. همسر بزرگوار ۲۷ ی‌سازگار حاجی - آقا مهدی و آقا مصطفی - خیلی ما را تحویل گرفتند و با میهمان‌نوازی‌شان شرمندهمان کردند. همانجا به سپهر اشاره کردم ولی چند جلسه در مراسم خاطره‌گویی «سعید قاسمی» رفتم و خاطراتی را از جمله خاطره «کاتال گردان کمیل» و آن اتفاقاتی را که در «فکه» افتاد بود و بچه‌ها در آنجا محاصره شده بودند، شنیدم.

ادامه در صفحه ۵

یاد

**گلعلی بابایی:** با سپهر عوالمی

داشتیم وصف‌ناپذیر به‌طوری که او در بستر احتضار، وکالت نشر شعرهایش را هم به پسنده داد. در کتاب «دفتر آبی» مجموعه اشعار سپهر - که مقدمه‌اش را بنده نوشتم - به این نکته به‌قدر کفایت اشاره کرده‌ام. سپهر با مرحوم «حاج محمدرضا

آقاسی» دوستی خیلی نزدیکی داشت، چون هر دو نفرشان، جزو شعرایی محسوب می‌شدند که مغضوب طیف روشنفکران قرار

گرفته بودند. حتی خیلی از شاعران معروف به «بچه‌مسلمان» هم - که دم از انقلاب می‌زدند - این دو نفر را به عنوان شاعر قبول نداشتند. وقتی سپهر به حمت خدا رفت، آقاسی را دعوت کرده بودیم تا در «هشت‌زهر(اس)» برای او شعر بخواند. یک مراسم برای سوم خرداد همان سال داشتیم که باز آقاسی را دعوت کرده بودیم. آقاسی اواخر عمرش پیشنهاد انتشار یک آلبوم موسیقی به همراه دکلمه اشعارش را داده بود که من و «بهزاد او و آهنگسازی به نام آقای «شهپازی»، دور هم نشستیم تا چند و چون اجرایی کردن این ایده را ارزیابی کنیم که متأسفانه عمر آقاسی کفاف نداد و این پروژه به جایی نرسید.

دیوان اشعار سپهر، با نام «دفتر آبی» را حسب وصیت خودش جمع و جور کردم و این کتاب، با کمک آقای «حسان محمدحسینی» در فرهنگسرای پایداری چاپ شد. ۶ بار هم تجدید چاپ شد و طرفداران زیادی داشت اما نمی‌دانم چرا دیگر چاپش نکردند.

سپهر به قول خودش، بچه ناف تهران بود؛ خیابان مختاری. نخستین بار هم که ما در لشکر ۲۷ به همت سردار شهیدمان حاج «حسین همدانی» یادوارهای را برای حاج «احمد متوسلیان» در شهر مریوان برگزار کردیم، از تهران، قدیمی‌های لشکر سوار بر ۳-۴ دستگاه اتوبوس شدیم و به مریوان رفتم. بر آن سفر، سپهر هم با ما آمد. آن موقع ۵-۶ سالی می‌شد که در خط سرودن شعر افتاده بود. جالب است که خودش می‌گفت: قافلی! من قبلا از بچه‌های هم‌تپ‌شما، نفرت داشتم. بدم می‌آمد ولی چند جلسه در مراسم خاطره‌گویی «سعید قاسمی» رفتم و خاطراتی را از جمله خاطره «کاتال گردان کمیل» و آن اتفاقاتی را که در «فکه» افتاد بود و بچه‌ها در آنجا محاصره شده بودند، شنیدم.

■ امیر استکی

**وضعیت دولت، اظهاراتی مبتنی بر باورهای غلط!**

دشمنان خارجی در بعضی نقاط به خشونت کشیده شده است. در همین راستا در این روزها زیاد می‌شنویم که سخن از در کار بودن دسیسه رقابت است. حتی بر سر یک پوش مجازی کوچک به نام «پشیمانیم» هم دولتمردان و حامیان اصلاح‌طلبان‌شان چنین اعتقادی داشتند که یک دسیسه برای ناراضی کردن مردم از دولت در جریان است. نخستین واکنش‌های دولتمردان و نخبگان تصدیق‌کننده‌شان به حوادث اخیر هم از همین جنس بود و شروع اعتراضات از مشهد را به شکلی قاطع به توطئه‌های رقیب اصلی انتخابات گذشته نسبت می‌دادند؛ دمیدن به آتش توهمی وجود دولتی در سایه که بیشتر اقتصاد کشور را در دست دارد، مالیات نمی‌دهد و ضابطه نمی‌پذیرد و دستور کاری دارد که به‌عین‌به منافع مردم و اراده سیاسی متبلور شده‌شان در قامت دولت جناب روحانی در تضاد است. سخنان جناب روحانی در همه این سال‌ها همواره بر است از اشاره‌هایی که مخاطب خود باید در پی یافتن ضمیر آن باشد. پر است از صحبت‌های چندپهلوی که در همه آنها سخن از عده‌ای است که در راستای اقدامات مردمی رئیس‌جمهور سنگ‌اندازی می‌کنند. مثلاً جناب روحانی همین دو - سه روز پیش که درباره حوادث اخیر سخن گفته‌اند، آنجا که صحبت‌شان به فیلترینگ فضای مجازی می‌رسد از همین روش استفاده می‌کنند و می‌گویند یکی از این شبکه‌های مجازی را که در جریان حوادث اخیر فیلتر شده بود من گفتم باز کنید و بلافاصله با اعتراض برخی مواجه شدم که چرا باز کردید و ما تازه داشتیم یک خواب راحت می‌کردیم!

در عالم تبلیغات و خاصه تبلیغات سیاسی این اصل بسیار مهمی است که کنشگران، اسیر باورمند شدن به محتوای تبلیغات خود نشوند. این یک آسیب بزرگ در سیاست‌ورزی خواهد بود. صد البته همواره می‌شود برای هر ایستاری قبل از سنجش همه‌جانبه، در عالم واقع بینتی پیدا کرد. منتها قبل تر از این‌س حوادث، نگارنده معتقد بود دولتمردان و جناب روحانی خود آگاه به سره و ناسره تبلیغات سیاسی خود هستند و به عبارتی هنوز تبلیغات خود را باور نکرده بودند اما این روزها چنین برمی‌آید که کار از این مرحله عبور کرده و این تبلیغات به باور دولتمردان تبدیل شده است. هر چند هنوز در جاهایی این تمایز بین باور و تبلیغات وجود دارد. خاصه درباره رسوم که در آن دولت همواره به دنبال انداختن تقصیرها به گردن مخالفانی در پس پرده‌هاست.

ادامه در صفحه ۵

به نیمه پایانی دولت دهم» است و آنچه دولتمردان و رئیس‌جمهور افزایش چشمگیر در این زمینه معرفی می‌کنند نه به‌واسطه رقم سرمایه واردشده، بلکه به واسطه ارقامی است که در موافقتنامه‌ها و اسناد تفاهم و همکاری مصوب می‌شوند و به شکل بدیهی فاصله بسیار زیادی تا عملیاتی شدن دارند. البته در اینجا هدف ما بررسی این اعداد و ارقام نیست، بلکه اشاره بسیار گذرا به آنها به دنبال گوشزد کردن این واقعیت مهم است که باورهای غلط دست‌اندرکاران دولت در این زمینه تا چه حد می‌تواند برای منافع کشور و زندگی مردم عادی خطرناک باشد.

دوم باور به اینکه به دلیل تغییرات نوع نگاه عامه مردم به زندگی و چگونگی زیستن، آنچه بیش از مسائل معیشتی برای آنها اهمیت دارد، مسائل مربوط به سبک زندگی و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی است، لذا بر همین اساس اولویت اصلی باید بهبود این شرایط و حرکت در این مسیر باشد. نظر تأثیر زیادی داشته است. در جایی که همه پارامترهای اقتصادی جز تورم - آن هم با اوصافی که ذکر شد - در شرایط نامناسبی قرار داشتند و رقابتی انتخاباتی هم بشدت بر برنامه‌های حمایتی گسترده حتی با ذکر عدد و رقم پرداخت‌های پارانهای تأکید می‌کردند، جناب روحانی توانست زمین بازی را از معیشت و اقتصاد عوض کند و گوی چوگان رقابت را در زمین امنیت بیندازد و بر فرش قرمزی که از تار و پود ترس بافته شده بود، دوباره پای به کاخ ریاست‌جمهوری بگذارد. بر همین اساس این باور در مجموعه دولت ایجاد شده است که این مردم بیش از آنچه به رونق اقتصادی نیاز داشته باشند، به ایجاد تصویری از باز بودن شرایط فرهنگی و سیاسی نیاز دارند. اگرچه اقبال در انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم به جناب روحانی آنگونه که اشاره شد بر مبنای بستری از ترس موهوم ایجاد شد و اساساً حالتی سلبی داشت اما در میان دولتمردان به گونه‌ای دیگر فهم و منجر به شکل‌گیری باور فوق‌الذکر در آنها شده است.

سوم این باور که این حوادث دسیسه رقبای سیاسی بوده است که البته نتوانسته‌اند آن را کنترل کنند و کار به‌واسطه دخالت‌های عوامل ناراضی و زخم خورده از جمهوری اسلامی و تحرکات

از سخنان رئیس محترم جمهور و بعضی دیگر از دولتمردان علی‌الخصوص جناب جهانگیری می‌توان اینگونه برداشت کرد که در ذهن آنها ۳ باور بزرگ در رابطه با وضعیت کلی کشور و خاصه ریشه‌های حوادث اخیر وجود دارد.

اول باور به این مساله که وضعیت کلی اقتصاد کشور در یک شرایط مطلوب و رو به رشد قرار دارد که در صورت ادامه دادن همین روند، سرعت و شتاب رشد بیشتر شده و ماحصل نتیجه دادن تمهیدات ۴ ساله دولت به رونق کسب و کار و بهبود نسبی وضعیت بیکاری خواهد انجامید. مثلاً رئیس‌جمهور روز دوشنبه ۱۸ دی در جمع وزیر و معاونان وزارت اقتصاد چنین گفته‌اند: «اگر چه اشتکالاتی ممکن است در مسیر تحولات اقتصادی کشور وجود داشته باشد اما با توجه به رشد شاخص‌های اقتصادی باید به مردم توضیح داده شود که مسیر درستی در حوزه اقتصاد طی شده است». عمده تأکید ایشان هم بر نرخ ادعایی «۱۲ درصدی رشد اقتصادی در سال ۹۵»، «تورم تکرریمی» یکی - دو سال اخیر و «میزان بالای سرمایه‌گذاری خارجی» است. ارقامی که اگرچه این باور عمیق را برای دولتمردان ساخته‌اند که وضعیت اقتصاد کشور مطلوب است اما هیچ‌کدام ارقامی شفاف و گویان نیستند و کارشناسان اقتصادی زیادی به آنها ایراد وارد کرده‌اند، از جمله اینکه قسمت عمده رشد ادعایی ۱۲ درصدی، به بخش نفت و افزایش تولید و فروش آن بازمی‌گردد که همین هم به واسطه مشکلاتی به قوت خود باقی مانده، به گونه‌ای که راه انتقال ارز به کشور به نحو موثری قابل دسترسی نیست و همین عوامل است که باعث می‌شود این رشد دورقمی در عمل نتیجه محسوس و ملموسی برای ملت و کسب‌وکارهای داخلی نداشته باشد. از طرف دیگر تغییر سال پایه برای محاسبه تورم و همچنین سبد کالاها و خدماتی که از طریق بررسی نوسان قیمت آنها عدد تورم محاسبه می‌شود نیز نوعی تلاش برای پایین نگه داشتن رقم تورم به روش حسابداری است، اگرچه بررسی روند افزایش بودجه جاری دولت که بسیار بیشتر از سرجمع تورم در این ۴ سال است بخوبی موید این است که در عمل و در عالمی غیر از عالم حسابداری، تورم بیشتر از آن چیزی است که اعلام می‌شود. با همین اوصاف تورم اجاره‌بها و همچنین اقلام خوراکی در این چند سال تا ۳ برابر بالاتر از رقم تورم کل بوده است. در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی، آمارهای بین‌المللی حاکی از «رشد منفی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران نسبت